

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی
گروه زبان و ادبیات عربی

پایان نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

غربت‌گزینی در شعر معاصر عراق

استاد راهنما

دکتر مهین حاجی زاده

استاد مشاور

دکتر عبد الاحد غیبی

علی فضا مرادی

آبان ۱۳۸۹

تهریز / ایران

تقدیم:

این هدیه‌ی ناچیز را تقدیم می‌کنم:

به ساحت مقدس و متعالی چهارده معصوم (ع)،

به روح بلند و ملکوتی امام راحل (ره) و دو یادگار گرامی‌اش،

به ارواح پاک و مطهر شهدای کربلا و شهدای جنگ تحمیلی،

به تمام معلمین و متعلمینی که در جهت اعتلای زبان قرآن، صادقانه تلاش می‌کنند،

به پدر و مادرم که پشتیبان و یاور همیشگی‌ام در زندگی بوده‌اند،

به همسر فداکار و مهربانم که صبورانه و صادقانه در مشکلات زندگی، پا به پای من آمده است،

و به گل‌های نو شکفته‌ی زندگی‌ام، کوثر و محمد امین.

شکر و سپاس:

به حکم وظیفه و بر مبنای قاعده‌ی «مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمَخْلُوقَ، لَمْ يَشْكُرِ الْخَالِقَ»، لازم و ضروری می‌بینم که مراتب تقدیر و تشکر خود را از تمامی عزیزانی که این حقیر را در تهیه و تدوین این پژوهش یاری نموده‌اند، اعلام دارم.

از آنجایی که لطف و عنایت سرکار خانم دکتر حاجی زاده، استاد محترم راهنما، در طول انجام پژوهش همواره شامل حال این حقیر گردیده و با راهنمایی‌ها و ارشادات بی‌دریغ و بی‌شائبه‌ی خود این حقیر را در مسیر انجام پژوهش هدایت فرموده‌اند، وظیفه‌ی خود می‌دانم که مراتب تقدیر و تشکر ویژه و صادقانه‌ی خود را از ایشان به عمل آورم. همچنین از استاد مشاور خود و مدیر محترم گروه، جناب آقای دکتر غیبی که در فاصله‌ی زمانی انجام کار، از ارشادات و راهنمایی‌های ایشان بهره‌مند گردیده‌ام، صادقانه سپاسگزاری می‌کنم.

همچنین از سایر اساتید گرانقدر و ارجمند خود در گروه زبان و ادبیات عربی، آقایان دکتر اسلامی، دکتر قهرمانی، دکتر ولی زاده، دکتر موسوی که در طول تحصیل از محضر ایشان بهره‌ها برده‌ام، تقدیر و تشکر می‌کنم.

در پایان لازم می‌دانم از زحمات دست اندرکاران کتابخانه‌ی دانشگاه تربیت معلم آذربایجان و مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی تهران و دست اندرکاران کتابخانه‌ی دانشگاه تهران و نیز فرد فرد عزیزانی که به نوعی در انجام این کار سهیم بوده‌اند، قدردانی نمایم.

علی فضا مرادی

آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و نه هجری شمسی

تبریز/ایران

چکیده

غربت‌گزینی در معنای عام کلمه، پدیده‌ای است که سابقه‌ای به قدمت زندگی بشری داشته و همواره یکی از دغدغه‌های زندگی بشری بوده است؛ زیرا چه بسیار افرادی که از اجتماعات انسانی گریزان بوده و یا از نحوه‌ی عملکرد حاکمان خود، تنفر داشته‌اند که در هر دو صورت زمینه‌ی پیدایش این پدیده در میان افراد بشری فراهم گردیده است. سابقه‌ی این امر نیز در معنای خاص، یعنی غربت‌گزینی ادبی که مدّ نظر این پژوهش است، به دوره‌ی ادبیات جاهلی بر می‌گردد. بدین صورت که در شعر برخی از شعرای این دوره، موضوع غربت‌گزینی مطرح بوده و بدان پرداخته شده است. پس از آن در دوره‌های ادبی متأخر نیز بحث غربت‌گزینی، مورد توجه شعرا بوده و در اشعار آنان نمود داشته است. مصداق بارزتر این موضوع را می‌توان در ادبیات معاصر عربی مشاهده نمود؛ زیرا اسباب و عللی از جمله عوامل سیاسی و اقتصادی و نیز شرایط موجود دوره‌ی معاصر، باعث تشدید این پدیده در ادب معاصر گردیده است. پژوهش حاضر، موضوع غربت‌گزینی در اشعار پنج تن از شعرای معاصر عراقی یعنی بدر شاکر السیاب، نازک الملائکه، عبد الوهاب البیاتی، بلند الحیدری و احمد مطر را بررسی کرده و ضمن بیان انواع غربت‌گزینی در شعر آنان، به عوامل پیدایش این انواع از سوی آنان نیز اشاره می‌کند. شعرای مذکور هر کدام از نگاه خود به این مسأله پرداخته و نوع نگاه آنان به این موضوع نیز متفاوت از یکدیگر می‌باشد، ولی قالب ارائه‌ی اشعار در این زمینه، از جانب آنان تقریباً یکسان بوده و همان قالب شعر آزاد است. در این پژوهش علیرغم دشواری تفکیک انواع غربت‌گزینی، به جهت قابل‌هضم بودن مسأله برای خوانندگان، این انواع از هم تفکیک شده است. نکته‌ی قابل توجه در این پژوهش، تفاوت برداشت شعرای مذکور از پدیده‌ی غربت‌گزینی، متناسب با شرایط روحی، جسمی آنان و دیگر شرایط موجود زمانی و مکانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: غربت‌گزینی، شعر معاصر عرب، عراق، بدر شاکر السیاب، نازک الملائکه، عبد الوهاب البیاتی.

فهرست پایان نامه

عنوان	شماره‌ی صفحه
مقدمه.....	۱.....
فصل اول: کلیات و مفاهیم	
بخش اول: معنای لغوی و اصطلاحی اغتراب، مفهوم اغتراب	
۱-۱-۱ معنای لغوی اغتراب.....	۶.....
۲-۱-۱ معنای اصطلاحی اغتراب.....	۷.....
۳-۱-۱ مفهوم اغتراب در آموزه‌های دینی.....	۱۰.....
۱-۳-۱-۱ آیات قرآن.....	۱۰.....
۲-۳-۱-۱ احادیث.....	۱۱.....
۴-۱-۱ مفهوم اغتراب نزد اندیشمندان.....	۱۱.....
۱-۴-۱-۱ مارکس.....	۱۲.....
۲-۴-۱-۱ فیورباخ.....	۱۲.....
۳-۴-۱-۱ کینستون.....	۱۲.....
۴-۴-۱-۱ هگل.....	۱۳.....
۵-۴-۱-۱ ژان پل سارتر.....	۱۳.....
۶-۴-۱-۱ اریک فروم.....	۱۳.....
۷-۴-۱-۱ اریکسون.....	۱۴.....
۸-۴-۱-۱ فتح الله خلیف.....	۱۴.....
بخش دوم: انواع اغتراب	
۱-۲-۱ اغتراب اجتماعی.....	۱۶.....
۲-۲-۱ اغتراب عاطفی.....	۱۶.....
۳-۲-۱ اغتراب سیاسی.....	۱۷.....
۴-۲-۱ اغتراب مکانی.....	۱۷.....

۱۷.....۵-۲-۱ اغتراب روحی.....

۱۸.....۶-۲-۱ اغتراب اقتصادی.....

۱۸.....۷-۲-۱ انواع دیگر.....

بخش سوم: اغتراب در ادب عربی

۲۰.....۱-۳-۱ اغتراب در دوره‌ی جاهلی.....

۲۲.....۲-۳-۱ اغتراب در دوره‌ی اموی.....

۲۳.....۳-۳-۱ اغتراب در دوره‌ی عباسی.....

۲۴.....۴-۳-۱ اغتراب در سرزمین اندلس.....

۲۵.....۵-۳-۱ اغتراب در دوره‌ی معاصر.....

فصل دوم: عراق در قرن بیستم

بخش اول: تاریخ عراق

۲۹.....۱-۱-۲ وجه تسمیه (عراق) و (جزیره).....

۲۹.....۲-۱-۲ تاریخ سیاسی قدیم.....

۳۱.....۳-۱-۲ تاریخ سیاسی جدید.....

۳۴.....۴-۱-۲ موقعیت جغرافیایی.....

۳۵.....۵-۱-۲ وضعیت اقتصادی.....

۳۵.....۶-۱-۲ وضعیت اجتماعی.....

۳۷.....۷-۱-۲ وضعیت دینی.....

بخش دوم: شعر عراق

۳۹.....۱-۲-۲ ریشه‌های تحول در شعر عربی.....

۴۲.....۲-۲-۲ مقدمات پیدایش شعر آزاد.....

۴۴.....۳-۲-۲ شکل‌گیری شعر آزاد در عراق.....

فصل سوم: زندگی بدر شاکر السیاب و اغتراب در شعر او

بخش اول: زندگی بدر شاکر السیاب

۵۲.....۱-۱-۳ تولد و مشخصات.....

- ۵۲..... خانواده. ۲-۱-۳
- ۵۳..... تحصیلات. ۳-۱-۳
- ۵۳..... وضع جسمی. ۴-۱-۳
- ۵۴..... فعالیت شغلی. ۵-۱-۳
- ۵۴..... فعالیت سیاسی. ۶-۱-۳
- ۵۵..... دواوین شعری. ۷-۱-۳
- ۵۵..... بیماری و وفات. ۸-۱-۳

بخش دوم: اغتراب در شعر بدر شاکرالسیاب

- ۵۷..... گذری کوتاه بر شعر سیاب. ۱-۲-۳
- ۵۹..... انواع اغتراب در شعر سیاب. ۲-۲-۳
- ۵۹..... اغتراب اجتماعی. ۱-۲-۲-۳
- ۶۳..... اغتراب عاطفی. ۲-۲-۲-۳
- ۷۱..... اغتراب سیاسی. ۳-۲-۲-۳
- ۷۵..... اغتراب مکانی. ۴-۲-۲-۳
- ۸۳..... اغتراب روحی. ۵-۲-۲-۳

فصل چهارم: زندگی نازک الملائکه و اغتراب در شعر او

بخش اول: زندگی نازک الملائکه

- ۹۲..... تولد و مشخصات. ۱-۱-۴
- ۹۲..... خانواده. ۲-۱-۴
- ۹۲..... تحصیلات. ۳-۱-۴
- ۹۳..... فعالیت شغلی. ۴-۱-۴
- ۹۳..... تألیفات و دواوین شعری. ۵-۱-۴
- ۹۳..... وفات. ۶-۱-۴

بخش دوم: اغتراب در شعر نازک الملائکه

- ۹۶..... گذری کوتاه بر شعر نازک الملائکه. ۱-۲-۴

- ۹۷..... ۲-۲-۴ انواع اغتراب در شعر نازک الملائکه
- ۹۷..... ۱-۲-۲-۴ اغتراب اجتماعی
- ۱۰۱..... ۲-۲-۲-۴ اغتراب عاطفی
- ۱۰۴..... ۳-۲-۲-۴ اغتراب سیاسی
- ۱۰۶..... ۴-۲-۲-۴ اغتراب مکانی
- ۱۱۰..... ۵-۲-۲-۴ اغتراب روحی

فصل پنجم: زندگی عبد الوهاب البیاتی و اغتراب در شعر او

بخش اول: زندگی عبد الوهاب البیاتی

- ۱۲۰..... ۱-۱-۵ تولد و مشخصات
- ۱۲۰..... ۲-۱-۵ خانواده
- ۱۲۱..... ۳-۱-۵ تحصیلات
- ۱۲۱..... ۴-۱-۵ فعالیت شغلی و سیاسی
- ۱۲۲..... ۵-۱-۵ تألیفات و دواوین شعری
- ۱۲۳..... ۶-۱-۵ وفات

بخش دوم: اغتراب در شعر عبد الوهاب البیاتی

- ۱۲۵..... ۱-۲-۵ گذری کوتاه بر شعر عبد الوهاب البیاتی
- ۱۲۶..... ۲-۲-۵ انواع اغتراب در شعر عبد الوهاب البیاتی
- ۱۲۶..... ۱-۲-۲-۵ اغتراب اجتماعی
- ۱۳۰..... ۲-۲-۲-۵ اغتراب سیاسی
- ۱۳۷..... ۳-۲-۲-۵ اغتراب مکانی
- ۱۴۸..... ۴-۲-۲-۵ اغتراب روحی
- ۱۵۴..... ۵-۲-۲-۵ اغتراب عاطفی

فصل ششم: اغتراب در شعر دیگر شعرای معاصر عراق

بخش اول: زندگی بلند الحیدری و اغتراب در شعر او

- ۱-۱-۶ زندگی بلند الحیدری

- ۱۵۸..... تولد و مشخصات ۱-۱-۱-۶
- ۱۵۸..... خانواده ۲-۱-۱-۶
- ۱۵۹..... تحصیلات ۳-۱-۱-۶
- ۱۵۹..... فعالیت شغلی ۴-۱-۱-۶
- ۱۶۰..... فعالیت سیاسی ۵-۱-۱-۶
- ۱۶۰..... تألیفات و دواوین شعری ۶-۱-۱-۶
- ۱۶۱..... وفات ۷-۱-۱-۶
- ۱۶۱..... گذری کوتاه بر شعر بلند الحیدری ۲-۱-۱-۶
- ۱۶۲..... انواع اغتراب در شعر بلند الحیدری ۳-۱-۱-۶
- ۱۶۲..... اغتراب اجتماعی ۱-۳-۱-۶
- ۱۶۴..... اغتراب عاطفی ۲-۳-۱-۶
- ۱۶۶..... اغتراب سیاسی ۳-۳-۱-۶
- ۱۶۸..... اغتراب مکانی ۴-۳-۱-۶
- ۱۷۰..... اغتراب روحی ۵-۳-۱-۶

بخش دوم: زندگی احمد مطر و اغتراب در شعر او

۱-۲-۶ زندگی احمد مطر

- ۱۷۶..... تولد و مشخصات ۱-۱-۲-۶
- ۱۷۶..... خانواده ۲-۱-۲-۶
- ۱۷۷..... تحصیلات ۳-۱-۲-۶
- ۱۷۷..... فعالیت شغلی ۴-۱-۲-۶
- ۱۷۷..... فعالیت سیاسی ۵-۱-۲-۶
- ۱۷۸..... دواوین شعری ۶-۱-۲-۶
- ۱۷۸..... گذری کوتاه بر شعر احمد مطر ۲-۲-۶
- ۱۷۹..... انواع اغتراب در شعر احمد مطر ۳-۲-۶
- ۱۷۹..... اغتراب سیاسی ۱-۳-۲-۶

۱۸۸.....	۲-۳-۲-۶ اغتراب مکانی.....
۱۹۳.....	۳-۳-۲-۶ اغتراب روحی.....
۱۹۵.....	۴-۳-۲-۶ اغتراب اجتماعی و عاطفی.....
۱۹۸.....	خاتمه و نتیجه گیری.....
۲۰۰.....	پیشنهادات تحقیق.....
۲۰۱.....	فهرست منابع و مآخذ.....

مقدمه

حمد و سپاس از آن خداوندی است که پروردگار هستی و آفریننده‌ی لوح و قلم است، همان خداوندی که بشر را تعلیم فرموده و شاهراه هدایت و سعادت را به وی نشان داد تا به سر منزل مقصود برسد، و سلام و صلوات بر پیام آور رحمت و آزادی، حضرت محمد مصطفی (ص) و ائمه‌ی هدی (ع)، همانانی که مایه‌ی خوشبختی بشر و وسیله‌ی تقرب او به ذات اقدس الهی‌اند.

اما بعد، لازم و ضروری به نظر می‌رسد که در راستای پژوهشی که توسط این حقیر، تحت عنوان «غربت‌گزینی در شعر معاصر عراق» انجام شده‌است، توضیحاتی ارائه شود تا بتواند راهگشای خوانندگان و مراجعه‌کنندگان محترم باشد.

سرزمین عراق که از دیرباز، مرکز مهمی برای فعالیت‌های ادبی، سیاسی و دیگر فعالیت‌های بشری بوده است، همواره در طول تاریخ گذشته‌ی خود، شاهد ظهور شعرا و نویسندگانی بوده که هر یک به نوبه‌ی خود، سهم بسزایی در جاودانه نمودن گوهر شعر و ادب در این سرزمین داشته‌اند، بویژه از آغاز دوره‌ی عباسی تا سقوط آن، شعر و ادب، رونق خاص خود را در این کشور داشته است، اما در دوره‌ای که تحت عنوان دوره‌ی فترت و انحطاط نامیده می‌شود، شعر و ادب این سرزمین نیز همچون دیگر بلاد ادبی، از بهره‌ی وافیه برخوردار نبوده‌است، ولی با آغاز دوره‌ی نهضت و عصر بیداری، شعرا دریافتند که ادبیات این کشور، نیاز به تغییری بنیادین در شکل و محتوی دارد، بنابراین با بهره‌گیری از ادبیات غرب، مفاهیم و مضامین و نیز قالب‌های جدیدی وارد عرصه‌ی ادبی این کشور شد که سرانجام پس از طی طریقی، منجر به پیدایش شعر آزاد در آنجا گردید.

در این میان، یکی از مسائل مورد توجه شعر و ادب، که در طول تاریخ ادبی و در تمام ادوار آن، همواره مطرح بوده، مسأله‌ی اغتراب در شعر است که در هیچ دوره‌ای از ادوار تاریخ ادبی، کم رنگ نشده است، بلکه همواره شعرا بی‌بوده‌اند که بنا به دلایلی، از جمله عدم سازش با جامعه و یاسلطه‌ی حاکم، راه

غربت را در پیش گرفته و به سرزمین غربت هجرت نموده‌اند که از میان این شعرا می‌توان به شعرایی همچون امرؤ القیس، عنتره بن شداد، طرفه بن العبد، ابوتمام، ابوفراس حمدانی، شریف رضی و دیگران اشاره نمود و شاید دلیل عمده‌ی هجرت و غربت‌گزینی شعرا این باشد که شخص شاعر، برخوردار از حسی ظریف بوده که قدرت تحلیل او را نسبت به دیگر اقشار جامعه بالا برده و موجب می‌شود در برابر رفتارهای ناخوشایند حکومت و جامعه، موضع‌گیری نموده و راه غربت را برای خود برگزیند و این موضوع همانی است که ما در شعر معاصر عراق به دنبال آن هستیم.

در شعر معاصر عرب نیز برخی از شعرای لبنانی و عراقی و دیگر کشورها، جزو شعرای غربت‌گزین هستند که از میان شعرای عراق، شعرای پیشگام در شعر آزاد یعنی بدرشاکر السیاب، نازک الملائکه، عبد الوهاب البیاتی و بلند الحیدری، در یک فاصله‌ی زمانی و نیز احمد مطر با سه دهه تأخیر پس از آنان، شعرایی هستند که در این پژوهش مورد مطالعه قرار می‌گیرند. هر یک از این شعرای نامبرده، با توجه به موقعیت و وضعیتی که در آن قرار گرفته‌اند، غربت را به عنوان یک عکس‌العمل در برابر رفتارهای موجود در جامعه برگزیده و به صورتی اجباری یا اختیاری، به سرزمین‌هایی خارج از کشور خود هجرت و در آنجا اهداف زندگی خود را دنبال کرده‌اند.

جهت انجام کار در این پژوهش، در ابتدا مختصری از زندگی‌نامه‌ی هر یک از این شعرا به عنوان مطلب مقدماتی آمده و سپس به انواع اغتراب در شعر آنان پرداخته شده‌است. بدیهی است از آنجایی که موضوع اغتراب در شعر هر یک از شعرای مذکور به تنهایی می‌توانست خودش به عنوان یک موضوع مستقل بررسی شود، به لحاظ پرهیز از به درازا کشیدن بحث، در ارائه‌ی مطالب، جانب اختصار در نظر گرفته شده، هرچند سعی بر آن بوده که مطالب ارائه شده مفید و قابل استفاده برای افرادی باشد که علاقمند به مطالعه و پژوهش در این زمینه هستند.

پژوهش حاضر در شش فصل و یک خاتمه تنظیم شده‌است. در فصل اول، به معنا و مفهوم اغتراب، انواع اغتراب و اغتراب در ادب عربی پرداخته شده‌است. فصل دوم این پژوهش به تاریخ کشور عراق و ریشه‌های تحول شعر عربی تا رسیدن به شعر آزاد در این سرزمین، اختصاص دارد. فصل‌های سوم، چهارم و پنجم به ترتیب به زندگی‌نامه و انواع اغتراب در شعر سه شاعر بدر شاکر السیاب، نازک الملائکه و عبد الوهاب البیاتی پرداخته‌است و در فصل پایانی نیز به دلیل پرهیز از اطاله‌ی کلام و نیز به جهت

محدود بودن منابع مورد استفاده، زندگی و اغتراب در شعر دو شاعر بلند الحیدری و احمد مطر با هم، مورد بررسی قرار گرفته است.

لازم به ذکر است که جهت جلوگیری از سر درگمی خواننده و برای طبقه بندی و هدفمند نمودن مطالب، انواع اغتراب موجود در شعر این شعرا از هم تفکیک شده است، هر چند به لحاظ نزدیکی مفاهیم، تفکیک انواع اغتراب کار دشواری به نظر می‌رسید، ولی در جریان تنظیم پژوهش، این کار انجام گرفته است.

در زمینه‌ی سوابق و پیشینه‌های تحقیقاتی موضوع باید اشاره کرد که اغتراب در شعر شعرای گذشته همچون ابن درّاج القسطلی، ابو العلاء معری و شریف رضی و دیگران، مورد بررسی قرار گرفته است. در زمینه‌ی شعر معاصر و بویژه شعرای مذکور نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته که از جمله‌ی آن‌ها، کتابی تحت عنوان (الاغتراب فی شعر بدر شاکر السیاب) توسط آقای احمد عودة الله الشقیرات و کتاب دیگری با نام (تجربة الاغتراب عند نازک الملائکة) نوشته شده است که نگارنده فقط گزارش موجود بودن این کتاب‌ها را در سایت‌های اینترنتی مشاهده نموده و موفق به استفاده از آنها نشده است. کتاب دیگری که در این زمینه نوشته شده (الاغتراب فی الشعر العراقي المعاصر) تألیف محمد راضی جعفر می‌باشد که در نگارش پایان‌نامه‌ی حاضر به عنوان منبع مهمی از آن استفاده شده است. علاوه بر منابع مذکور، کتاب‌های دیگری نیز وجود دارد که در آن‌ها به بخش‌هایی از شعر برخی از این شعرا، پرداخته شده است، از جمله کتابی با نام (الحزن فی شعر بدر شاکر السیاب) نوشته‌ی ا.د. خلف رشید نعمان است.

در پایان لازم به ذکر است که پژوهش حاضر، علیرغم تلاش‌های فراوان نگارنده، خالی از عیب و ایراد نبوده و دارای نقص و کاستی‌هایی می‌باشد که امید آن می‌رود خوانندگان گرامی، ضمن ارائه‌ی راهنمایی‌های لازم، به اشکالات موجود در آن به دیده‌ی اغماض بنگرند. خدای متعال توفیق انجام فعالیت علمی و نوآوری در عرصه‌های مختلف علم و دانش را برای همگان فراهم بیاورد. ان شاء الله.

وَ مِنَ اللَّهِ التَّوْفِيقُ وَ عَلَيْهِ التَّكْلَانِ

فصل اول

کلیات و مفاهیم

بخش اول: معنای لغوی و اصطلاحی اغتراب، مفهوم اغتراب

بخش دوم: انواع اغتراب

بخش سوم: اغتراب در ادب عربی

بخش اول: معنای لغوی و اصطلاحی اغتراب، مفهوم اغتراب

۱-۱-۱ معنای لغوی اغتراب

۲-۱-۱ معنای اصطلاحی اغتراب

۳-۱-۱ مفهوم اغتراب در آموزه‌های دینی

۱-۳-۱-۱ آیات قرآن

۲-۳-۱-۱ احادیث

۴-۱-۱ مفهوم اغتراب نزد اندیشمندان

۱-۴-۱-۱ مارکس

۲-۴-۱-۱ فیورباخ

۳-۴-۱-۱ کینستون

۴-۴-۱-۱ هگل

۵-۴-۱-۱ ژان پل سارتر

۶-۴-۱-۱ اریک فروم

۷-۴-۱-۱ اریکسون

۸-۴-۱-۱ فتح الله خلیف

۱-۱-۱ معنای لغوی اغتراب

لفظ (اغتراب) از ریشه‌ی (غرب) به معنای دوری و ترک وطن بوده و استعمال اولیه‌ی آن در معنای غربت‌گزینی مکانی است. جهت‌آشنایی بیشتر با این واژه، به برخی از فرهنگ‌های لغت مراجعه می‌کنیم:

ابن منظور صاحب (لسان العرب) در توضیح این ریشه چنین می‌آورد:

لفظ (الغَرْب) به معنای رفتن و پنهان شدن از مردم است، امّا (الغَرْبَةُ وَالغَرْبُ) در معنای بُعد و دوری نیز آمده است و گفته می‌شود: غَرْبَ فِي الْأَرْضِ: إِذَا أَمَعَنَ فِيهَا (به سرزمین‌های دور دست رفت.) و لفظ **الْأَغْتَرَابُ** (افتعال) مِنْ الغَرْبِ و لفظ اغتراب بر وزن افتعال از ریشه‌ی (غرب) است. و رَجُلٌ غَرِيبٌ: الَّذِي لَيْسَ مِنَ الْقَوْمِ. (کسی که از یک قوم نیست) و الغَرِيبُ: الغَامِضُ مِنَ الْكَلَامِ (سخن مبهم)

امّا لفظ (الْأَغْتَرَابُ) در این سخن: اغْتَرَبَ فُلَانٌ؛ هنگامی به کار می‌رود که کسی با غیر نزدیکان خود ازدواج نموده باشد و در حدیث آمده است: (اغْتَرَبُوا لَأَ تَضُوءُوا) یعنی ازدواج خویشاوندی نکنید (از غریبه‌ها زن بگیرید) تا فرزندان ضعیف و لاغر و ناتوان نشود. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۲/۱۰-۳۳)

خلیل الفراهیدی در کتاب خود (العین) در این زمینه چنین آورده است:

الغَرْبَةُ: الْأَغْتَرَابُ عَنِ الْوَطَنِ (دوری از وطن)، غَرَبَ فُلَانٌ عَنَّا، يَغْرَبُ غَرَبًا: تَنَحَّى (دور شد.) و أَغْرَبْتُهُ وَعَرَبْتُهُ: نَحَيْتُهُ (او را دور کردم.) و الغَرْبَةُ: النَّوَى الْبَعِيدُ (دوری)، يُقَالُ: شَقَّتْ بِهِمْ غُرْبَةُ النَّوَى (غربت و دوری، آنان را پراکنده کرد.) و أَغْرَبَ الْقَوْمُ: انْتَوُوا (دور شدند.) و غَايَةُ مَغْرَبَةِ بَعِيدَةُ الشَّأْوِ (بلند همت) و الغَرْبَةُ - أَيْضاً - التَّمَادَى - وَ هِيَ اللَّجَاجَةُ فِي الشَّيْءِ (اصرار و پافشاری در چیزی) (الفراهیدی، د ت: ۴۱)

در (الصّحاح) آمده است:

التَّغْرِيبُ: النَّفْيُ عَنِ الْبِلَادِ (دور کردن از وطن) و أَيْضاً غَرَبٌ: بَعُدٌ. (دور شد.) و أَغْرَبَ عَنِّي: تَبَاعَدَ. (دور

شد.) (ابن حماد الجوهري، ۱۳۶۸: ۱۹۱ - ۱۹۳)

الزبيدي در (تاج العروس) در اين باره چنين مي گويد:

التَّغْرُبُ: البُعْدُ وَ الْغَرْبُ: النَّوَى وَ الْبُعْدُ (دوري) وَ أَيْضاً الْغَرْبُ وَ الْغُرْبَةُ: النَّزُوحُ عَنِ الْوَطَنِ (دوري از

وطن) (الزبيدي، ۱۴۲۵: ۲۷۶ و ۲۷۹)

در (المعجم الوجيز) درباره ي معنای (غُرْبَة) آمده است:

البُعْدُ عَنِ الْوَطَنِ (دوري از وطن) وَ غَرْبٌ عَنِ وَطْنِهِ غُرْبَةٌ: ابْتَعَدَ عَنْهُ فَهُوَ غَرِيبٌ. (از آن دور شد، پس او غريب است.) وَ غَرْبٌ فِي الْأَرْضِ: أَمْعَنَ فِيهَا، فَسَافَرَ سَفَرًا بَعِيدًا. (به سرزمين هاي دور دست رفت، به سفر دور رفت.) وَ الْقَوْمُ ذَهَبُوا نَاحِيَةَ الْمَغْرِبِ. (قوم به سمت مغرب رفتند.) وَ فَلَانًا أَبْعَدَهُ وَ نَحَاهُ. (فلانی را دور كرد.) وَ اغْتَرَابٌ: نُزُوحٌ عَنِ الْوَطَنِ (دوري از وطن) وَ تَغَرَّبَ: نَزَحَ عَنِ الْوَطَنِ. (از وطن دور شد.) (المعجم الوجيز، ۱۴۱۱: ۴۴۷)

بنابراين از مجموع آنچه که در کتب معجم آمده است، چنين برمي آيد که لفظ اغتراب از نظر لغوی به طور عمده در معنای غربت مکانی و دوري از وطن آمده است، گر چه معانی ديگري نيز در کنار اين معنای اصلی برای آن ذکر شده است که از جمله ي آنها ازدواج نمودن با غير نزديکان است. (ابن منظور، ۱۴۰۸: ۳۲/۱۰-۳۳)

۱-۱-۲ معنای اصطلاحی اغتراب

ابو الفرج اصفهانی در (ادب الغرباء) می گويد: «فَقَدُّ الْأَحِبَّةِ فِي الْأَوْطَانِ غُرْبَةٌ، فَكَيْفَ إِذَا اجْتَمَعَتِ الْغُرْبَةُ وَ

فَقَدُّ الْأَحِبَّةِ.»^۱ (الأصبهاني، ۱۹۷۲: ۳۲)

«غربت عبارت است از: دوري از وطن و خانواده و سرزمين، يعنی اين که انسان از زادگاه و کساني که از نظر روحی، عاطفی و اجتماعی با آنان در ارتباط بوده، دور شود و چنين به نظر می رسد از زمانی که انسان در مسیر اهداف خود حرکت کرده، نوعی احساس غربت را نيز درقلب خود حمل کرده است، اينجاست که می بينيم بخشی از ادبيات انسانی با اين احساس آميخته شده است.» (فهمی، د.ت: ۷)

۱-از دست دادن دوستان، در وطن خود؛ غربت به شمار می آيد پس چگونه خواهد بود، اگر دوري از وطن و نبود دوستان، با هم جمع شوند.

اغتراب دارای معانی متعدد و دلالات فراوانی است که برخی از آنها عبارتند از: اغتراب از وطن، یعنی هجرت به سرزمینی دیگر و اغتراب نفس و آن هنگامی است که انسان احساس می‌کند در میان افراد جامعه‌اش غریب است. همچنین اغتراب شخص از ذات خود و آن زمانی است که زنجیره‌های ارتباط میان انسان و درونش قطع می‌گردد. نوع دیگری از اغتراب وجود دارد و آن هنگامی است که انسان از خانواده و دوستانش فاصله گرفته و به اجتماعات دیگری پناه می‌برد که هیچ ارتباط خویشاوندی و اشتراک آداب و رسومی میان او و آن اجتماعات وجود ندارد. او به این وطن پناه می‌برد تا در آنجا دوستان جدیدی بیابد که جایگزین خانواده و دوستان و یا حتی وطن اصلی‌اش شوند. (یاسین، ۱۹۹۲: ۹)

«اغتراب، پدیده‌ای است که به زمان خاصی محدود نمی‌شود، جز این که در برهه‌هایی که اضطراب و نگرانی و عدم استقرار در اوضاع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جوامع افزایش می‌یابد، این پدیده نیز می‌تواند خود را به عنوان یک موضوع اساسی در نوشته‌های ادبی و مباحث اجتماعی و پژوهش‌های فلسفی مطرح نماید.» (ابوزید، ۱۳۱: ۱۹۷۹)

بر خلاف رواج موضوع اغتراب، این اصطلاح همواره چارچوب مشخص و معینی نداشته و معنای آن با توجه به بکارگیری در موارد مختلف، تغییر کرده و مصادیق متفاوتی پیدا می‌کند که با معنای اصلی تفاوت داشته و منجر به ایجاد تعاریف متفاوتی از آن می‌شود. (النوری، ۱۹۷۹: ۱۳)

اغتراب در خلال دوره‌های مختلف و نیز در عصر حاضر، یکی از بزرگترین مشکلات انسان را به وجود می‌آورد، زیرا منجر به جدایی انسان‌ها از نظر مکانی و زمانی از یکدیگر شده و این احساس رنج و تنهایی، ویژگی بارز و روشنی را در شخصیت و رفتار مغتربان ایجاد می‌کند، پس اغتراب نوعی تجربه است که انسان مغترب در خلال آن به عنوان فردی غریب زندگی نموده و موجب پیدایش نوعی دوگانگی میان درون و رفتار و سلوک او می‌شود. (روحی ابراهیم الخلیلی، ۲۰۰۷: ۲۳)

اغتراب چه آنتولوژی باشد و چه اقتصادی، اجتماعی و ابداعی، یکی از ویژگی‌های ادبیات و هنر معاصر و یک انعکاس واقعی در ادبیات است نه یک بیماری عارض. و انسان از زمانی که به این کوره‌ی خاکی پا گذاشته، در غربت به سر می‌برد، بطوری که در طول تاریخ، میان انسان و واقعیت‌های زندگی، بین نویسنده و زبانش، بین انسان و خالقش و یا اسطوره‌هایش و نیز بین فرد و جامعه‌اش، اغتراب وجود داشته است. شاعر عربی هنگامی که از اغتراب سخن می‌گوید، دائماً به این معنا نیست که او از گرسنگی، شکوه و گلایه می‌کند، بلکه گاهی او از جامعه‌ی خود به دلیل ساختار ناهمگون آن و یا آداب و رسوم

نابهنجار موجود در این جامعه و سیطره‌ی این آداب و رسوم بر اذهان عمومی شکایت می‌کند و گاهی شکایت او از فقدان آزادی در دنیایی است که به آزادی دعوت می‌کند و گاهی نیز از کمبودها و فسادها گلایه دارد و نگاهش به دنیایی است که دارای ساختاری درست باشد، بنابراین از برخورد این واقعیت‌ها با رؤیاهای، نوعی اغتراب به وجود می‌آید. (طراد الکیسی، د.ت: ۲۴)

ریچارد شاکت^۱ در ارتباط با اغتراب چنین می‌گوید:

«چیزی تحت عنوان اغتراب فراگیر وجود ندارد که همه‌ی انواع آن را در خود جمع کند، جز این که انواعی از اغتراب وجود دارد که قابل شمارش نبوده و در گذشته وجود داشته و اکنون نیز موجود است و در آینده نیز با استمرار ماجراجویی‌های انسانی در مسیر حرکت به سوی راه‌های متعدد و مختلف هستی به وجود خواهد آمد.» (شاکت، د.ت: ۵۹)

بنابراین اگر بخواهیم اغتراب را تعریف کنیم، به سبب کثرت تعاریفی که متفکران و اندیشمندان ارائه داده‌اند با مشکلاتی مواجه می‌شویم، زیرا این اصطلاح در معانی مختلفی همچون: از خود بریدگی، دلتنگی و شکوه، دلگیری، آشفتنگی خاطر و ناراحتی و... آمده است، اما این امر مانع از تلاش برای ارائه‌ی تعریفی نسبی از مفهوم اغتراب نمی‌شود. درست است که کلمه‌ی اغتراب در زمینه‌های فراوانی به کار می‌رود، ولی در نهایت در یک نقطه اشتراک نظر وجود دارد، بنابراین تمامی نوشته‌ها در این موضوع، در عین کثرت و تنوع استعمالات به امور معینی همچون: بریدگی از جامعه، عزلت یا انعزال، ناتوانی در سازش با دیگران، شکست در انطباق و سازش با اوضاع حاکم بر جامعه و بی‌توجهی و عدم احساس، بلکه بر از بین رفتن آن نسبت به عمق و ژرفای زندگی دلالت می‌کنند. (ابوزید، ۱۹۷۹: ۴)

به طور کلی، عوامل اغتراب را می‌توان در دو عامل خلاصه کرد:

۱- اغتراب ناشی از طبیعت شعر: هر شعری، یک جوشش درونی نامحدود و یک آفرینش احساسی و غیر احساسی، هنگام غیبت شاعر از واقع حسی خویش است.

۲- عامل دوم شامل تمامی شرایط مادی و دلایل شخصی و عمومی می‌شود که به غربت و درد و رنج دائمی در شاعر منجر می‌شود و بدون شک این شرایط و دلایل، نقش مهمی در تغذیه‌ی مضامین شعری و تعیین جهت‌گیری‌های شعر ایفا می‌کنند. (السید جاسم، ۱۹۸۶: ۱۰-۱۱)

۱- ریچارد شاکت (Richard shakhet): نویسنده‌ی سرشناس که از تألیفات او کتابی تحت عنوان (مستقبل الاغتراب مع دراسة المشروع الفلسفی) است.